



ویژگی های حیات عبادی و اجتماعی و سیاسی

علیه السلام

امام جواد

استاد حسینی قمی

اللَّهُمَّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

فهرست سخنرانی های مربوط به امام جواد علیه السلام



[کلیک و دانلود](#)



[کلیک و دانلود](#)



[کلیک و دانلود](#)



[کلیک و دانلود](#)



[کلیک و دانلود](#)



[کلیک و دانلود](#)

[کانال فیش منبر و مرثیه کلیک نمایید](#)

سایت طلبه یار

فهرست مطالب

- ۸ حیات عبادی امام جواد
- ۱۰ حیات اجتماعی امام جواد
- ۱۴ نامه امام جواد به حاکم سجستان
- ۱۸ .. استقبال حاکم سجستان از نامه امام جواد
- ۲۰ خدمت به زوار امام رضا
۲۲. ماجرای شکستن اعتکاف توسط امام حسن
- ۲۶ نامه امام رضا به فرزندشان امام جواد
- ۲۷ استقبال از نامه پدر
- ۲۸ آموزه‌های تربیتی در نامه امام رضا به امام جواد
- ۳۱ توجه به حقوق مؤمنین
- ۳۴ حقوق مؤمنان بر یکدیگر
- ۳۹ خرج در راه خدا خسارت نیست
- ۴۱.. معیارهای انتخاب همسر از نگاه پیامبر اکرم
- ۴۸ ... نتیجه جواب رد دادن به خواستگار متدین

- تغییر سرنوشت با تغییر شعور ۵۱
- ازدواج ساده با مهریه تعلیم قرآن ۵۱
- مهریه فرهنگی امام جواد برای همسرشان .. ۵۳
- عواقب مهریه سنگین ۵۶
- سرقت پنهان ۵۷
- جهیزیه حضرت فاطمه زهرا ۵۹
- رسمی کمرشکن به نام جهیزیه سنگین ۶۳
- مراسم ازدواج حضرت فاطمه ۶۴
- خانه حضرت فاطمه ۶۷
- نامه امام جواد به علی بن اسباط ۶۸

خطبه ابتدایی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا

العبد المويّد ابي القاسم مُحَمَّد صلي الله عليه وَ

عَلٰی أَهْلِ بَيْتِهِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُزْتَضَى الْإِمَامِ

التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَ حُجَّتِكَ عَلٰی مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى

الصَّدِيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً

مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلٰی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

تقدیم به روح مقدس و مطهر ثامن الحجج ابی الحسن علی بن موسی و پاره تن شان امام جواد صلوات دیگری هدیه فرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

شامگاه شهادت مظلومانه و غریبانه وجود مقدس امام جواد علیه السلام خدا را سپاسگذار هستیم این توفیق را پیدا کردیم در این ایام و لیالی در جوار بارگاه ملکوتی علی بن موسی الرضا، در قطعه‌ای از بهشت، برای عرض تسلیت به ساحت مقدس امام رضا علیه السلام مشرف هستیم.

عنوان سخنم حیات نورانی امام جواد علیه السلام است در بخش حیات عبادی، حیات اجتماعی، حیات علمی و حیات سیاسی حضرت.

حیات عبادی امام جواد

در بخش حیات عبادی حضرت یک روایتی را اشاره کردم.

شخصی می‌گوید من در روز عرفه در محضر امام جواد علیه السلام بودم. دیدم حضرت از ظهر روز عرفه تا غروب دستان مبارکشان به سوی آسمان بلند بود

ما زالتا ممدودتان الی ان افاض^۱ [۲:۲۸]

۱. ...

از ظهر تا هنگام غروب که هنگام حرکت به طرف
مشعر است، تمام این مدت دست امام جواد به
سوی آسمان مشغول دعا و راز و نیاز بودند.

راوی می‌گوید:

فلم اری احدا اقدر علی ذلکا

من ندیده بودم کسی چنین توانایی، چنین حال
عبادت، ذکر و دعا، دستان مبارک به سوی آسمان در
این مدت طولانی!

۱. ...

حیات اجتماعی امام جواد

ولی ویژگی مهم امام جواد علیه السلام این است، اهل بیت این است اگر این حیات عبادی را دارند اما از حیات اجتماعی غافل نیستند.

در همین حال عبادت، در همان روز عرفه، در همان صحرای مقدس عرفات، در همین حال بندگی خدا یک کسی به امام جواد علیه السلام مراجعه کرد.

گفت: آقا من یک مشکلی دارم، یک گرفتاری دارم

إِنَّ وَالِيَنَا رَجُلٌ يَحِبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ

۱. نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیة نویسنده: الشیخ کلینی جلد: ۵ صفحه: ۱۱۱ و

۱۱۲ (۶) - مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا

الصَّيْدَلَانِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي حَنِيْفَةَ مِنْ أَهْلِ بُسْتٍ وَسَجِسْتَانَ قَالَ: رَأَفْتُ أَبَا

ما یک حاکمی داریم؛ آن حاکم از دوستان شما
اهل بیت است، از علاقه مندان شما اهل بیت
است.

جَعْفَرُ ع فِي السَّنَةِ الَّتِي حَجَّ فِيهَا فِي أَوَّلِ خِلَافَةِ الْمُعْتَصِمِ فَقُلْتُ لَهُ وَ أَنَا مَعَهُ عَلَى
الْمَائِدَةِ وَ هُنَاكَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَوْلِيَاءِ السُّلْطَانِ إِنَّ وَالِيَنَا جُعِلْتُ فِدَاكَ رَجُلٌ يَتَوَلَّاهُ
أَهْلَ النَّبِيِّ وَ يُحِبُّكُمْ وَ عَلَى فِي دِيْوَانِهِ خَرَجٌ فَإِنْ رَأَيْتَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَنْ تَكْتُبَ
إِلَيْهِ كِتَابًا بِالْإِحْسَانِ إِلَى فَقَالَ لِي لَا أَعْرِفُهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُ عَلَى مَا قُلْتُ مِنْ
مُحِبِّبِكُمْ أَهْلَ النَّبِيِّ وَ كِتَابُكَ يَنْفَعُنِي عِنْدَهُ فَأَخَذَ الْوِزْطَاسَ وَ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مُوَصَّلَ كِتَابِي هَذَا ذَكَرَ عِنْدَكَ مَذْهَبًا جَمِيلًا وَ إِنَّ مَا
لَكَ مِنْ عَمَلِكَ مَا أَحْسَنْتَ فِيهِ فَأَحْسِنْ إِلَيَّ إِخْوَانِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
سَأَلْتُكَ عَنْ مَثَاقِيلِ الدَّرِّ وَ الْخَرْدَلِ قَالَ فَلَمَّا وَرَدْتُ سِجِسْتَانَ سَبَقَ الْخَبْرُ إِلَيَّ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّيْسَابُورِيِّ وَ هُوَ الْوَالِي فَاسْتَقْبَلَنِي عَلَى فَرْسَخَيْنِ مِنَ
الْمَدِينَةِ فَدَفَعْتُ إِلَيْهِ الْكِتَابَ فَقَبَّلَهُ وَ وَصَّعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِي مَا حَاجَتُكَ
فَقُلْتُ خَرَجٌ عَلَى فِي دِيْوَانِكَ قَالَ فَأَمَرَ بِطَرْجِهِ عَنِّي وَ قَالَ لِي لَا تُؤَدِّ خَرَجًا مَا دَامَ لِي
عَمَلٌ ثُمَّ سَأَلَنِي عَنْ عِيَالِي فَأَخْبَرْتُهُ بِمَبْلَغِهِمْ فَأَمَرَ لِي وَ لَهُمْ بِمَا يُؤْتُونَ وَ فَضْلًا فَمَا
أَدَيْتُ فِي عَمَلِهِ خَرَجًا مَا دَامَ حَيًّا وَ لَا قَطَعَ عَنِّي صَلْتُهُ حَتَّى مَاتَ.

به امام جواد علیه السلام عرض کرد ما در
سجستان زندگی می‌کنیم.

سجستان همین سیستان امروز است که می
دانید مرکز پیروان اهل بیت علیهم السلام است.
سیستان و بلوچستان، بلوچستان اهل سنت
هستند، برادران اهل سنت ما هستند، اما
سیستان، زابل، آن منطقه پیروان اهل بیت
هستند.

گفت: آقا من از سجستان یعنی از سیستان
آمده‌ام. یک حاکمی در آنجا داریم

يَجْبُكُمُ أَهْلَ الْبَيْتِ

از دستداران شما است.

من یک مشکلی دارم. اگر برای شما مقدور است
یک نامه‌ای بنویسید، مشکل من به دست این حاکم
حل می‌شود.

امام جوادی که مشغول عبادت بود،

ما زالتا ممدودتان^۱

دستشان به طرف آسمان بلند بود.

نفرمودند وقت دعا است، نفرمودند روز عرفه

است، نفرمودند حال عبادت من را به هم زدی،

نفرمودند بگذار مشغول کارم باشم.

۱.

بلافاصله عبادت را کنار گذاشتند، به یک عبادت
بالاتری مشغول شدند. فرمودند: قلم و کاغذ
بیاورید.

قلم و کاغذ آوردند.

نامه امام جواد به حاکم سجستان

متن نامه امام جواد علیه السلام این است،
نوشتند:

أَمَّا بَعْدُ

به آن حاکم، مرقوم فرمودند:

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مُوَصِّلَ كِتَابِي هَذَا ذَكَرَ عَنكَ مَذْهَبًا

جَمِيلًا

١. نام کتاب: الکافی- ط الاسلامیة نویسنده: الشیخ کلینی جلد: ٥ صفحہ: ١١١ و ١١٢ (٦- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زَكْرِيَا الصَّيْدَلَانِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي حَنِيْفَةَ مِنْ أَهْلِ بُسْتٍ وَ سَجِسْتَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع فِي السَّنَةِ الَّتِي حَجَّ فِيهَا فِي أَوَّلِ خِلَافَةِ الْمُعْتَصِمِ فَقُلْتُ لَهُ وَ أَنَا مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ وَ هُنَاكَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَوْلِيَاءِ السُّلْطَانِ إِنَّ وَالِيَنَا جُعِلْتُ فِدَاكَ رَجُلٌ يَتَوَلَّأَكُمْ أَهْلَ النَّبِيِّ وَ يَحِبُّكُمْ وَ عَلَى فِي دِيْوَانِهِ خَرَّاجٌ فَإِنْ رَأَيْتَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَنْ تَكْتُبَ إِلَيْهِ كِتَابًا بِالْإِحْسَانِ إِلَى فَقَالَ لِي لَا أَعْرِفُهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُ عَلَى مَا قُلْتُ مِنْ مُحِبِّكُمْ أَهْلَ النَّبِيِّ وَ كِتَابُكَ يَنْفَعُنِي عِنْدَهُ فَأَخَذَ الْقِرْطَاسَ وَ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مُوَصِّلَ كِتَابِي هَذَا ذَكَرَ عَنكَ مَذْهَبًا جَمِيلًا وَ إِنَّ مَا لَكَ مِنْ عَمَلِكَ مَا أَحْسَنْتَ فِيهِ فَأَحْسِنْ إِلَى إِخْوَانِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ سَأَلَكَ عَنْ مَثَاقِيلِ الدَّرِّ وَ الخَزْدَلِ قَالَ فَلَمَّا وَرَدْتُ سَجِسْتَانَ سَبَقَ الخَبْرُ إِلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّيْسَابُورِيِّ وَ هُوَ الْوَالِي فَاسْتَقْبَلَنِي عَلَى فَرَسْحَيْنٍ مِنَ الْمَدِينَةِ فَدَفَعْتُ إِلَيْهِ الْكِتَابَ فَقَبَّلَهُ وَ وَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِي مَا حَاجَتُكَ فَقُلْتُ خَرَّاجٌ عَلَى فِي دِيْوَانِكَ قَالَ فَأَمَرَ بِطَرْجِهِ عَنِّي وَ قَالَ لِي لَا تُؤَدِّ خَرَّاجًا مَا دَامَ لِي

کسی که نامه من را برای تو می‌آورد، گفته تو آدم خوبی هستی، روش خوبی دارد، یا مذهب خوبی داری.

وَإِنَّ مَا لَكَ مِنْ عَمَلِكَ مَا أَحْسَنْتَ فِيهَا

بدان چیزی برای تو باقی می‌ماند که به مردم خدمت کنی، خدمت به مردم برای تو باقی می‌ماند.

فَأَحْسِنْ إِلَى إِخْوَانِكَ

به برادران ایمانیات خدمت کن، نیکی کن، خوبی کن.

عَمَلٌ ثُمَّ سَأَلَنِي عَنْ عِيَالِي فَأَخْبَرْتُهُ بِمَبْلَغِهِمْ فَأَمَرَ لِي وَ لَهُمْ بِمَا يُؤْتُونَنَا وَ فَضْلاً فَمَا أَدَيْتُ فِي عَمَلِهِ خَرَجاً مَا دَامَ حَيًّا وَ لَا قَطَعَ عَنِّي صَلَاتُهُ حَتَّى مَاتَ.

۱. همان.

۲. همان.

وَإِعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَأَلُكَ عَنْ مَثَاقِيلِ الذَّرِّ

وَ الْخَزْدَلِ

نامه خیلی مفصل نیست، دو سه خط است.

اگر ما امام شناس باشیم، اگر بدانیم خدمت به

خلق چه ارزشی دارد، نامه طولانی نمی‌خواهد، اصرار

نمی‌خواهد، التماس نمی‌خواهد.

دو خط!

فرمود

وَإِعْلَمُ

فقط همین را بدان

أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَأَلُكَ

۱. همان.

فردای قیامت خدا از یک مثقال ذره از تو سؤال
می‌کند.

عَنْ مَثَاقِيلِ الذَّرِّ وَالْخَزْدَلِ

والسلام

استقبال حاکم سجستان از نامه امام جواد

این شخص می‌گوید من نامه امام جواد علیه
السلام را گرفتم.

آن حاکم هم حاکم با معرفتی بود. از قافله‌هایی
که زودتر از من رفته بودند خبر شده بود که من دارم
با نامه امام جواد در سجستان می‌آیم در سیستان،
زابل، زابل امروز.

می‌گوید وقتی حاکم خبر شد،

اِسْتَقْبَلْنِي

گزارش تاریخ این است:

اِسْتَقْبَلْنِي عَلَي فَرَسَخِينِ

دو فرسخ به استقبال من آمد.

گفتند این آقا نامه امام جواد را دارد، ما باید به

استقبال نامه حضرت برویم، نباید بنشینیم

نامه‌رسان نامه امام جواد علیه السلام را بیاورد.

دو فرسخ به استقبال من آمد. نامه را گرفت،

قَبَّلَهُ وَوَضَعَهُ عَلَي عَيْنَيْهِ

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

بوسید، نامه امام جواد علیه السلام روی چشم گذاشت، روی چشمان خودش گذاشت و مشکل من را برطرف کرد.

شاهد من این است ببینید همان امام جوادی که آن دستان به سوی آسمان دراز شده روز عرفه از ظهر تا غروب است؛ ولی در همان روز عرفه در همان حال عبادت و دعا، وقتی یک گرفتار مراجعه می‌کند حضرت به گرفتاری این بیچاره می‌رسد.

خدمت به زوار امام رضا

همین جا اجازه بدهید محضر شما زائرین، مجاورین، عرض بکنم عزیزان من خوشا به حال کسانی که در این زیارت‌ها موفق می‌شوند در کنار زیارتشان یک خدمتی به دیگری انجام بدهند.

من دو روز قبل هم گفتم در رواق امام خدا می‌داند من حسرت می‌خورم، به این امام رضا قسم حسرت می‌خورم وقتی می‌بینم زائرانی دارند زیارت می‌روند، یک پدر سالخورده، یک مادر سالخورده، یک پدر و مادر بیمار و ناتوان یا یک فرزند معلول، یک همسفری که نیاز به کمک و همراهی دارد روی ویلچر دارند مادرشان را می‌برند، پدر می‌برند، یک بیماری می‌برند.

من به این‌ها التماس دعا می‌گویم.

یقین داشته باشید ثواب یک زیارتی که به یک زائر امام رضا علیه السلام خدمت کنید، قابل مقایسه نیست با هزاران زیارتی که همین طوری برویم خودمان را به زیارت امام رضا برسانیم.

این امام امام مهربانی‌ها است.

السَّلَامُ عَلَیْکَ ایها الإمام الرُّؤف

امام مهربانی‌ها، امام رؤوف دوست دارد وقتی می‌بیند کسی به زائرش خدمت می‌کند، وقتی می‌بیند کسی در خدمت زائرش است. عرض کردم یک افتخار است. عبادت بله این طوری یاد ما دادند.

ماجرای شکستن اعتکاف توسط امام حسن

امام مجتبی علیه السلام داشتند طواف دور کعبه انجام می‌دادند، ابن عباس می‌گوید من محضر امام مجتبی بودم، حضرت اعتکاف کرده بودند، اعتکاف در مسجد الحرام!

می‌دانید اعتکاف حداقلش سه روز است، کمتر از
سه روز نمی‌شود.

کسی که معتکف می‌شود روزه اول و دومش
مستحب است، روزه روز سومش واجب است.

امام مجتبی، معتکف، در مسجد الحرام در حال
طواف، ابن عباس می‌گوید یک شخصی خدمت
حضرت آمد.

گفت: آقا من امروز تاریخ و موعد بدهی‌ام است،
به یک کسی بدهکار هستم، نمی‌توانم بپردازم.
می‌شود از شما خواهش کنم تقاضا کنم با من فلان
محله بیایید در شهر مکه از او بخواهید به احترام
شما به من مهلت بدهد.

تا این جمله را به امام حسن علیه السلام گفت
حضرت طواف را رها کردند، دنبال این آقا راه افتادند.
ابن عباس می‌گوید من محضر امام عرض کردم

آقا جان

انسیتم!

یادتان رفت معتکف بودید؟

یادتان رفت در مسجد الحرام هستید؟

یادتان رفت دارید طواف به جا می‌آورید؟

یادتان رفت مشغول این عبادت بالا و بزرگ

هستید؟

۱. ...

فرمود: نه یادم نرفت، ولی از جدم رسول الله

شنیدم:

قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ

گرفتاری یک مؤمن را برطرف کنی، از نه هزار سال

عبادت شبها زنده داری کنی، روزها روزه بگیری، از

نه هزار سال بالاتر است.

من بروم کار این مؤمن را راه بیندازم.

امام جواد در حال عبادت رها می‌کرد.

۱. من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۲۰۸ (وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَضَاءُ حَاجَةِ

الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ مِنْ طَوَافٍ وَطَوَافٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا».)

الأمالی للطوسی: ۱۰۵۱/۴۸۱ (رسولُ الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ

الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ.)

نامه امام رضا به فرزندشان امام جواد

همین آقا وجود مقدس امام رضا علیه السلام
این در روایات در منابع ما فراوان آمده است.
این ایامی که حضرت در خراسان بودند، عزیز
دلشان، پاره تنشان، جواد عزیزشان در مدینه
بودند، امام رضا علیه السلام یک نامه به امام جواد
نوشتند.

اول نامه، آخر نامه!

رسم نامه‌های امام رضا این بود ببینید شیخ
صدوق نقل می‌کند همه نامه‌های امام رضا به امام
جواد، اول نامه آخر نامه دو بار می‌نوشتند:

فِداکِ اَبُوکِ

جان رضا به فدایت، جواد عزیزم!

حرف زدن با فرزندانمان را یاد بگیریم.
نامه نوشتن برای فرزندانمان را یاد بگیریم.
ارتباط و تعامل با فرزندانمان را یاد بگیریم.
اول نامه آخر نامه،

فِدَاكَ أَبُوكَ

جان رضا به فدایت، جواد عزیزم!
امام رضا این گونه می نوشتند.

استقبال از نامه پدر

امام جواد هم وقتی نامه پدر را می دیدند، در
روایت است نامه پدر را حضرت می بوسید، به چشم
می گذاشتند.

تعامل با پدر و مادرها را یاد بگیریم. نحوه معامله
رفتارمان، ارتباطمان با پدر و مادر را یاد بگیریم.

امام جواد نامه امام رضا را می‌بوسید.

آموزه‌های تربیتی در نامه امام رضا به امام جواد

در نامه نوشتند عزیز دلم، جواد عزیزم!

بَلَّغْنِي

یک خبری به من رسیده

۱. نام کتاب: الکافی - ط الاسلامیة نویسنده: الشیخ الكلینی جلد: ۴ صفحه: ۴۳
(۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ
بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ
الرِّضَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ بَلَّغْنِي أَنَّ الْمَوَالِي إِذَا رَكَبْتَ أَخْرَجُوكَ مِنَ الْبَابِ
الصَّغِيرِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ بُخْلِ مِنْهُمْ لِيَنَالُ يَتَالَ مِنْكَ أَحَدٌ خَيْرًا وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَا
يَكُنْ مَدْخُوكَ وَمَخْرُجُكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ الْكَبِيرِ فَإِذَا رَكَبْتَ فَلْيَكُنْ مَعَكَ ذَهَبٌ وَ فِئْضَةٌ
ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَيْتَهُ وَ مَنْ سَأَلَكَ مِنْ عُمُومَتِكَ أَنْ تَبْرَهُ فَلَا تُعْطِهِ
أَقَلَّ مِنْ خَمْسِينَ دِينَارًا وَ الْكَثِيرُ إِلَيْكَ وَ مَنْ سَأَلَكَ مِنْ عَمَاتِكَ فَلَا تُعْطِهَا أَقَلَّ مِنْ
خَمْسَةِ وَ عَشْرِينَ دِينَارًا وَ الْكَثِيرُ إِلَيْكَ إِنِّي إِنَّمَا أُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَرْفَعَكَ اللَّهُ فَانْفِقْ وَ لَا
تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِفْتَارًا.)

أَنَّ الْمَوَالِي

وقتی از خانه می‌خواهید بیرون بروید، اینهایی که در محضر شما هستند، برای اینکه مردم دستشان به شما نرسد شما را از یک در خصوصی می‌برند. از آن در پشتی، از آنجایی که کسی شما را نبیند؛ از در اصلی نمی‌برند.

تو را به حق امام رضا!

أَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلِيَّكَ

تو را به آن حقی که من امام رضا بر تو دارم، جواد

عزیزم!

۱. همان.

از تو تقاضا می‌کنم از این به بعد مسیر رفت و
آمدت را از آن در اصلی قرار بده، بگذار مردم
دستشان به شما برسد.

درهم و دینار همراهت باشد.

به گرفتارها و نیازمندی که به تو مراجعه می‌کنند
درهم و دینار بده.

إِنَّمَا أَرِيدُ

پایان نامه امام رضا به امام جواد علیه السلام:

إِنَّمَا أَرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَرْفَعَكَ اللَّهُ

جواد عزیزم! دلم می‌خواهد خدا تو را رفعت
بدهد، عزت بدهد.

۱. همان.

عزت و رفعت به این است که کار مردم را راه
بیندازی، از آن مسیری بروی که مردم تو را ببینند،
در اختیار مردم در دسترس مردم.

توجه به حقوق مؤمنین

امام صادق علیه السلام داشتند طواف
می‌کردند. یکی از اصحاب خاص خاصشان، ابان بن
تغلب ...

اگر ما ده تا صحابی بخواهیم از امام صادق نام
ببریم، یکی‌شان ابان بن تغلب است.
صحابی امام باقر و امام صادق بوده،
ممتاز ممتاز!

می‌گوید: من خدمت امام صادق طواف کعبه
انجام می‌دادیم.

در یکی از دورهای طواف یکی از دوستان من به
من اشاره کرد، ابان از طواف بیا بیرون من یک کاری
با تو دارم.

بیا بیرون! به من اشاره کرد طوافت را رها کن بیا
کارت دارم.

من اعتنا نکردم، گفتم بابا آدم طواف بیت الله
الحرام در مسجد الحرام، محضر ولی عصر، امام
عصر من است، امام زمان من است، امام صادق،
رها کنم، دنبال این کار بروم؟!
اعتنا نکردم.

دور دوم طواف رسیدیم به همان جا باز به من
اشاره کرد بیا بیرون کارت دارم.

امام صادق علیه السلام نگاهشان افتاد،
فرمودند: ابان این با تو کار دارد.

گفتم: بله آقا.

فرمود: برو.

گفتم: آقا طواف دارم انجام می‌دهم.

فرمود: برو.

گفتم: آقا اگر طواف واجب باشد چی؟

فرمود: برو طواف چیه؟! طواف مستحب و واجب

چیه؟ برو کار برادر دینی‌ات را انجام بده بیا.

بله البته می‌دانید احکامی دارد، در مناسک‌ها

نوشته‌اند.

در طواف واجب اگر آدم رها کرد، دور چهارم کمتر

بعد از طواف باید برگردد، دوباره ...

آن بحث مسئله فقهی اش بماند.
فرمود: برو، ولو طواف واجب است برو.

حقوق مؤمنان بر یکدیگر

ابان بن تغلب می‌گوید من رفتم، کار این برادر
ایمانی‌ام را انجام دادم، برگشتم. گفتم:

جُعِلْتُ فِدَاكَ

جانم به فدایتان! مگر مؤمن خیلی به گردن
مؤمن حق دارد، طوافش هم باید رها کند؟!
می‌شود به من بگویید حق مؤمن بر مؤمن
چیست؟

آقا فرمود:

يا أَبَانُ دَعَا

این سؤال را دیگر از من نپرس.

این را دیگر نپرس!

۱. الکافی ج ۲ ص ۱۷۱ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ صَاحِبِ الْكَلْبِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَعْلَبٍ قَالَ: كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَرَّضَ لِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا كَانَ سَأَلَنِي الذَّهَابَ مَعَهُ فِي حَاجَةٍ فَأَشَارَ إِلَيَّ فَكَرِهْتُ أَنْ أَدْعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَذْهَبَ إِلَيْهِ فَبَيَّنَا أَنَا أَطُوفُ إِذْ أَشَارَ إِلَيَّ أَيْضًا فَرَأَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَبَانُ إِيَّاكَ يَرِيدُ هَذَا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَمَنْ هُوَ قُلْتُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ هُوَ عَلِيٌّ مِثْلِي مَا أَنْتَ عَلَيْهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَادْهَبْ إِلَيْهِ قُلْتُ فَأَقْطَعُ الطَّوَافَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَإِنْ كَانَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَذَهَبْتُ مَعَهُ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ فَسَأَلْتُهُ فَقُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ فَقَالَ يَا أَبَانُ دَعَا لَا تَرِدُهُ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمْ أَزَلْ أُرَدُّ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا أَبَانُ تُقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَأَى مَا دَخَلَنِي فَقَالَ يَا أَبَانُ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْتِرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ أَمَا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْتِرْهُ بَعْدَ إِتْمَانِكَ وَهُوَ سَوَاءٌ إِيَّامًا تُؤْتِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ النَّصْفِ الْآخَرِ).

امام می‌داند که ما نمی‌توانیم این وظایف را انجام

بدهیم، فرمود:

دَعَهُ لَا تَرَدُّهُ

اصرار کردم.

فرمودند: سؤال نکن.

دوباره اصرار کردم.

فرمودند: سؤال نکن.

آن قدر التماس کردم، آقا به من بگوئید حق

مؤمن بر مؤمن چیست؟

فرمود حالا که اصرار داری به تو بگویم، حق مؤمن

این است یک گرفتاری، یک نیازمندی، یک بیچاره‌ای،

۱. همان.

یک برادر ایمانی به تو مراجعه کرد، می‌دانی گرفتار
است.

تُقَاسِمُهُ

نیمی از اموالت را به او بدهی.
تمام ثروتی که داری، هر چه داری نصفش را به
این برادر ایمانی بدهی.

می‌گویند من یک نگاه خیلی تعجبی کردم.

آقا فرمود: ابان چه شد؟ تعجب کردی.

قرآن که بالاتر از این هم می‌گوید!

ایثار!

۱. همان.

الْمُؤْتِرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

تو هنوز به درجه ایثار نرسیدی.

چون وقتی نصف مالت را بدهی، تو و آن برادر

ایمانیات مساوی هستی. ایثار آن وقتی است که از

این نیمه باقیمانده خودم هم به او بدهی.

آن وقت ایثار کردی!

طوافش را رها کرده، برگشته، از حق مؤمن سؤال

می‌کند، امام علیه السلام این گونه جواب می‌دهند.

۱. همان.

خرج در راه خدا خسارت نیست

یادمان باشد عزیزان من! جوار بارگاه ملکوتی
امام رضا می‌آییم، ان شاء الله با یک معنویت، با یک
نورانیتی برگردیم.

این سیره اهل بیت است.

این سیره امام جواد است.

این سیره امام رضا است.

همین وجود مقدس آقا علی بن موسی الرضا
علیه السلام ما، روز عرفه، روایت را ببینید شیخ
صدوق نقل کرده‌اند، تمام اموالشان را به فقرا،
بیچاره‌ها، نیازمندان دادند.

یک کسی به امام رضا گفت آقا:

إِنَّ هَذَا لَمَغْرَمٌ

غرامت است، خسارت است، به خودتان ضرر

زدید.

فرمود آنچه را که آدم در راه خدا داده، این را

خسارت به حساب نمی‌آورد.

چیزی که در راه خدا خرج کردی خسارت نیست.

المغرم^۲

غنیمت است.

سود کردم، نه خسارت.

۱. المناقب: ۴ / ۳۹۰ (أنفق جميع ما عنده على الفقراء، حينما كان في خراسان،

وذلك في يوم عرفة فأنكر عليه الفضل بن سهل، وقال له: إِنَّ هَذَا لَمَغْرَمٌ ... فأجابه

الإمام (عليه السلام): «بل هو المغرم لا تعدنّ مغرمًا ما ابتغيت به أجرًا وكرمًا»

۲. همان

این عبادت امام جواد علیه السلام!
آن خدمت به خلق، حیات اجتماعی امام جواد
علیه السلام!

معیارهای انتخاب همسر از نگاه پیامبر اکرم

اجازه بدهید یک بخش دیگری از حیات نورانی
امام جواد علیه السلام را اشاره کنم، خیلی مهم
است. امروز گرفتاری جامعه ما است. حدیث در
تهذیب شیخ طوسی رضوان الله علیه است.
علی بن اسباط از اصحاب امام جواد علیه السلام
است. می‌گوید من یک نامه به حضرت نوشتم.

کتابت الی ابی جعفر علیه السلام

آقا یک سوالی دارم. من چند تا دختر دارم؛ ولی آن
خواستگاران که هم کفو ما باشد، هم شأن ما باشد
برای ما نیامده.

از ادامه کلام امام جواد و جواب نامه امام جواد
علیه السلام معلوم می‌شود منظورش این بوده
مثلاً اگر ما یک موقعیت اجتماعی بالا داریم، اگر یک
موقعیت مالی بالا داریم یک کسی که در خور شأن ما
باشد، وضع مالی‌اش به ما بخورد، موقعیت
اجتماعی‌اش به ما بخورد، اگر ما پست و مقام داریم
او هم پست و مقام داشته باشد، یک چنین چیزی
دامادی سراغ ما نیامده است.

چند تا دختر دارم.

به امام جواد علیه السلام نامه نوشته، چند تا دختر دارم، ولی خواستگاران که مثل ما باشد. عرض کردم از جواب حضرت معلوم می‌شود منظورش این بود مثلاً در درجه مالی ما، در درجه اجتماعی ما، در موقعیت و پست و مقامی که ما داریم،

کتب علی بن أسباط إلى أبي جعفر عليه السلام

فی أمر بناته، و أنّه لا یجد أحدا مثلاً

۱. الکافی ج ۵ ص ۳۴۷ (عده من أصحابنا، عن سهل بن زیاد؛ و محمد بن یحیی، عن أحمد ابن محمد، جمیعاً، عن علی بن مهزیار، قال: کتب علی بن أسباط إلى أبي جعفر عليه السلام فی أمر بناته، و أنّه لا یجد أحدا مثله، فکتب إليه أبو جعفر عليه السلام؛ فهمت ما ذكرت من أمر بناتک و أنّک لا تجد أحدا مثلك، فلا تنظر فی ذلک رحمک الله، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: إذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فرؤوه إلا تُفعلوه تکن فیتنه فی الأرض و فساد کبیر.)

گفت من مثل خودم خواستگار برای بچه‌هایم

نیامده؛ چکار کنم؟

جواب نامه حضرت را ببینید:

فکتب علیه السلام:^۱

امام جواد در جواب نامه نوشتند:

فهمت ما ذکرت^۲

پیامت را دریافت کردم، منظورت را فهمیدم چه

می‌خواهی بگویی.

لا تنظر فی ذلک^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

معطل نکن، امروز و فردا نکن، به این بهانه‌ها
ازدواج دخترت را به تأخیر نینداز.

فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ^۱

امام جواد علیه السلام به حدیث جدشان استناد
کردند،

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِذَا
جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خَلْقَهُ وَدِينَهُ^۲

جد ما رسول خدا فرمود: اگر خواستگاری برای
دخترتان آمد، دو چیز: اخلاق، دین!

زَوْجُوهُ^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

دختر به او بدهید.

إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خَلْقَهُ^۱

متاسفانه امروز ببینید گاهی در بررسی شرایط یک داماد ما حواسمان به همه چیز است، به خانه و ماشین و شغل و شئونات دیگر است؛ یادمان می‌رود از اخلاقش بررسی کنیم، یادمان می‌رود از دین داری‌اش بررسی کنیم.

فرمود:

إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خَلْقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ «إِلَّا

تَفَعَّلُوهُ»^۲

۱. همان.

۲. همان.

شام شهادت امام جواد، بارگاه ملکوتی امام رضا،
کلام نورانی امام جواد درمان درد امروز جامعه ما
است که متاسفانه از آن غافل هستیم.

امام جواد علیه السلام نوشتند جدم رسول الله
فرمود: اگر کسی آمد خواستگاری دختری اخلاق
داشت، دین داشت، معطل نکنید.

إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ

فتنه در زمین می‌شود، فساد بزرگ در زمین
می‌شود.

۱. همان.

نتیجه جواب رد دادن به خواستگار متدین

عزیزان من صادقانه بگوییم امروز این فتنه و

فساد در جامعه ما نیست؟

امروز وجود ندارد؟

امروز ما شرایط را به هم نزدیکیم؟

این آیه قرآن است:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ

من بارها عرض کردم اگر رسانه ملی دست من

بود، اگر برنامه خبرش دست من بود، اول اخبار به

۱. سوره رعد آیه ۱۱ (لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ) ^{هـ}

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ ^{هـ} وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ

لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ

جای نقل خیلی از خبرهایی که ضرورتی ندارد
می‌گفتم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توجه توجه!

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

مصیبت بزرگ!

کلام امام جواد!

فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ

چه خبر است؟

یک خبر مهم!

۱. سوره بقره آیه ۱۵۶ (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)

در کشور ۸۰ میلیون نفره ۱۲ میلیون دختر و
پسری داریم که وقت ازدواجشان رسیده و ازدواج
نکردند.

این ۸۰ میلیون یک جمع زیادش که سالخوردگان
هستند، یک جمع زیادش که کودکان هستند،
نوجوان‌ها هستند. چند میلیون مگر ما در آستانه
ازدواج داریم؟

۱۲ میلیونش ازدواج نکرده!

تَكُنْ فِتْنَةً

اما جواد علیه السلام نوشتند:

إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ

تغییر سرنوشت با تغییر شعور

بله من می دانم الان در دلتان می گوید آقا با چه پولی، با چه مهریه‌ای، با چه جهیزیه‌ای، با چه تالاری، با چه مراسمی، با چه خانه‌ای، با چه اشتغالی، با چه کاری؟

این‌ها را درک می‌کنم، اما آیه را دوباره می‌خوانم:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

نخواستیم. امروز خودمان سنگین کردیم. امروز خودمان این همه بار ازدواج را آن چنان سنگین کردیم که دیگر نمی‌توانیم از زیر این بارها بیرون بیاییم.

ازدواج ساده با مهریه تعلیم قرآن

بگذارید من از امام جواد علیه السلام بگویم.

خیلی معطل نکنم.

از صدیقه طاهره سلام الله علیها بگویم.

همه‌تان هزار بار شنیده‌اید.

در بحث ازدواج ما چهار پنج تا مسئله داریم.

یکی بحث مهریه است.

الان می‌شود در جامعه شیعی ما، بگوئیم آقا

مهریه حضرت زهرا سلام الله علیها ۵۰۰ درهم بوده؟

به پول امروزی حساب کنید چیزی در حدود ۵

میلیون، ۶ میلیون مهر صدیقه طاهره فاطمه زهرا

سلام الله علیها است. می‌توانیم این را بگوئیم؟

حاضر نیستیم بپذیریم.

خجالت می‌کشیم در منابر عمومی، در رسانه‌ها
بگوییم بابا خدمت خاتم الانبیا می‌آمدند، گاهی
می‌گفتند آقا ما دستمان خالی است، مهریه نداریم.
رسول خدا می‌فرمود قرآن بلد هستی؟ تعلیم
قرآن را مهر همسرت قرار بده.

امروز این حرفها دیگر زشت است، دیگر جامعه
نمی‌پسندد. دختر شوهر بدهم، مهر دخترم تعلیم
قرآن باشد!

مهریه فرهنگی امام جواد برای همسرشان

بگذارید باز از امام جواد علیه السلام بگوییم. سید
بن طاووس رضوان الله علیه در مهج الدعوات
می‌نویسد.

در مهج الدعوات یک سلسله مناجات و دعاها
است. یکی از این مناجات‌ها که مناجات بسیار
مفصلی است از امام جواد علیه السلام است.

داستان این مناجات چیست؟ برای چه امام جواد
این مناجات را انشاء کردند؟

سید بن طاووس رضوان الله علیه می‌نویسد
امام جواد علیه السلام در موقع ازدواجشان
فرمودند: ما پولی نداریم.

عین روایت حضرت این است، فرمودند:

أَنَّ لِكُلِّ زَوْجَةٍ صَدَاقًا مِنْ مَالِ زَوْجِهَا

۱. نام کتاب: مهج الدعوات و منهج العبادات نویسنده: السید بن طاووس جلد: ۱

صفحه: ۲۵۸ (فَمِنْ ذَلِكَ الْوَسَائِلُ إِلَى الْمَسَائِلِ زَوْيْنَاهُ يَأْسِنَانِدِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرِ بْنِ
بَابُوِيهِ رَجَمَهُ اللَّهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَارِثِ التُّوفَلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي وَكَانَ

بله باید یک مهریه‌ای داد، ولی

وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ أَمْوَالَنَا فِي الْآخِرَةِ مُوجَّهَةً

خدا مال ما را در قیامت به ما ...

ما اینجا چیزی نداریم، دستمان خالی است. ولی

مهر همسرم را یک مناجات، یادگاری من است.

خَادِمًا لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عَ لَمَّا زَوَّجَ الْمَأْمُونُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ
مُوسَى الرَّضَا عَ ابْنَتَهُ كَتَبَ إِلَيْهِ أَنْ لِكُلِّ زَوْجَةٍ صَدَاقًا مِنْ مَالِ زَوْجِهَا وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ
أَمْوَالَنَا فِي الْآخِرَةِ مُوجَّهَةً مَذْخُورَةً هُنَاكَ كَمَا جَعَلَ أَمْوَالَكُمْ مُعَجَّلَةً فِي الدُّنْيَا وَكَثَرَ
هَاهُنَا وَقَدْ أَمَهَرْتُ ابْنَتَكَ الْوَسَائِلَ إِلَى الْمَسَائِلِ وَهِيَ مُنَاجَاةٌ دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي قَالَ
دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي مُوسَى قَالَ دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي جَعْفَرُ قَالَ دَفَعَهَا إِلَيَّ مُحَمَّدُ أَبِي قَالَ دَفَعَهَا
إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَبِي قَالَ دَفَعَهَا إِلَيَّ الْحُسَيْنِ أَبِي قَالَ دَفَعَهَا إِلَيَّ الْحَسَنِ أَخِي
قَالَ دَفَعَهَا إِلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ص قَالَ دَفَعَهَا

مناجاتی که از پدرم امام رضا به من رسیده است،
امام رضا از پدر بزرگوارشان موسی بن جعفر، از پدر
بزرگوارشان تا به امیرالمؤمنین، رسول خدا می‌رسد.
مهر همسرشان را یک مناجات که تا قیام قیامت
هر که مناجات امام جواد علیه السلام را می‌خواند
به عنوان مهر ...

این‌ها دیگر این حرف‌ها را نمی‌شود گفت.

عواقب مهریه سنگین

من نمی‌گویم تعلیم قرآن مهر دخترانمان. نه، ما
به آنجا نرسیدیم. من نمی‌گویم مناجات مهر
همسرمان مثل امام جواد. ولی می‌گویم از این
بساطی که امروز درست کردیم کمی کوتاه بیاییم.

امروز اگر کسی مهر دخترش چهارده سکه باشد،
خنده دار است، نمی‌پذیرند، دختر خجالت می‌کشد.
۱۴ سکه مهر می‌شود؟!

بله یک وقتی امکان است، توانایی است. اما
اینکه امروز ما ازدواج را گره زدیم، به مهریه‌های
سنگین گره زدیم.

بروید ببینید الان هزاران زندانی در زندان به
خاطر اینکه نتوانسته مهر را بپردازد.

سرقت پنهان

جوان عزیز! پدر و مادر! یادت باشد وقتی عقد را
می‌خوانند، این مهر دین به گردن فرزند شما است.
تعارف ندارد! بدهی فقط آن بدهی نیست که شما به

بانک بدهکار هستید، به مغازه سر کوچه بدهکار
هستید.

مهری که خوانده می‌شود یک نوع بدهی است.
همین وجود مقدس امام جواد علیه السلام
فرمود:

مَنْ أَمَّهَرَ مَهْرًا ثُمَّ لَا يَنْوِي قَضَاءَهُ

کسی مهری تعیین کند.

همین حرفی که ما می‌گوییم چه کسی داده، چه
کسی گرفته.

نیت نداشته باشد که بپردازد،

۱. الکافی ج ۵ ص ۳۸۳ (علی بن محمد عن صالح بن ابی حماد عن ابن فضال
عن بغض أصحابنا عن ابی عبد الله علیه السلام قال: مَنْ أَمَّهَرَ مَهْرًا ثُمَّ لَا يَنْوِي
قَضَاءَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ.)

كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ

مثل دزد است.

دزد فقط آنی است نیست که از دیوار خانه مردم

بالا می‌رود.

اگر نمی‌تواند بپردازد، در توانش نیست، می‌داند

که توان پرداخت ندارد، این مهریه فرمود وقتی نیت

ندارد

كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ

جهیزیه حضرت فاطمه زهرا

ما مشکل مهریه را امروز سنگین کردیم، مشکل

جهیزیه‌ها را سنگین کردیم.

۱. همان.

تاریخ را ببینید، روایت را ببینید.

صدیقه طاهره سلام الله علیها بارها شنیده‌اید

امیرمومنان علیه السلام وقتی برای خواستگاری

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها آمدند، این

مهریه، این ۵۰۰ درهم همین مهریه را نقداً پرداخت

کردند.

می دانید مهر ملک همسر است. ولی در تفاهم و

همکاری این مهریه ۵۰۰ درهمی را امیرمومنان

دادند، فوری پرداخت کردند.

پیامبر خدا بخشی از این مهریه را به اصحابشان

دادند، بروید برای دخترم فاطمه جهیزیه بخرید. یک

جهیزیه ای خریدند.

در تاریخ نوشتند ۱۷ قلم!

نگاه رسول خدا وقتی به جهیزیه صدیقه طاهره
افتاد، روایت این است حضرت به گریه افتادند. اشک

شوق بود!

عرضه داشتند:

اللهمّ بارکاً

۱. عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۴۷۰ (کشف الغمّة: من المناقب: عن أمّ سلمة؛ و سلمان الفارسی؛ و علی بن أبی طالب علیه السلام - فی حدیث تزویج فاطمة علیها السلام الّذی ذکرناه فی الباب السابق - قالوا: و قبض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قبضة من الدراهم، و دعا بأبی بکر فدفعها إلیه، و قال: یا أبا بکر، اشتر بهذه الدراهم لابنتی ما یصلح لها فی بیتها، و بعث معه سلمان و بلالا لیعیناه علی حمل ما یشتریه؛ قال أبو بکر: و كانت الدراهم الّتی أعطانیها ثلاثة و ستین درهما، فانطلقت و اشتریت فراشا من خیش مصر محشوّا بالصوف، و نطعا من آدم، و وسادة من آدم حشوها من لیف النخل، و عباءة خیبریة، و قریة للماء، و کیزانا، و جرارا، و مطهرة للماء، و ستر صوف رقیقا و حملناه جمیعاً حتّی وضعناه بین یدئ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، فلما نظر إلیه بکی و جرت

خدایا این ازدواج را مبارک بگردان، ازدواجی که

جلّ آئیتهم الخزف^۱

جل یعنی گل، تمام.

اللهمّ بارک لقوم^۲

خدایا مبارک بگردان این ازدواجی که تمام

جهیزیه، ظروفشان از گل است، کاسه گلی، کوزه

گلی، پارچه، تمامش از گل است.

این گل زندگانی امیرمومنان و فاطمه زهرا!

دموعه، ثمّ رفع رأسه إلى السماء وقال: اللهمّ بارک لقوم جلّ آئیتهم الخزف -

الخبر-).

۱. همان.

۲. همان.

رسمی کمرشکن به نام جهیزیه سنگین

امروز ما اینها را نمی‌پذیریم. امروز می‌گویند
بهترین لوازم برقی خارجی باید باشد.

یخچال ایرانی!

ماشین لباسشویی ایرانی!

لوازم ایرانی!

نه ما دختر این طوری شوهر ندادیم.

عیبی ندارد، اجازه بدهید من صادقانه بگویم.

امروز ما نشستیم اسیر مهر سنگین، اسیر

جهیزیه‌های کذایی، اسیر مراسم سنگین.

نتیجه‌اش همین آمار است که برای شما گفتم.

آقا اگر یخچالت ایرانی باشد چه می‌شود؟

نه یخچالش می‌سوزد، من سابقه‌اش را دارم.

راضی شدیم جامعه‌مان بسوزد، به تعبیر امام

جواد

تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ

جامعه ما در فساد بسوزد، برای این که نکند
شاید یخچال ایرانی بسوزد، شاید ماشین لباسشویی
ایرانی بسوزد. حاضر هستیم جامعه‌مان بسوزد،
انتخاب با خود ما است.

مراسم ازدواج حضرت فاطمه

مشکل بعدی ما مراسم ما است، تالارهای
عروسی ما است. یک تالار بگیرد ۵۰ میلیون، ۲۰
میلیون، ۴۰ میلیون، ۱۰۰ میلیون. بالاترهایش را
دیگر من نگویم.

عقد صديقه طاهره سلام الله عليها با
امير مومنان خوانده شد. ببينيد در تاريخ نوشته اند
امير مومنان براي بردن فاطمه زهرا به خانه خود
آمد.

علی جان!

لَا بُدَّ لِلْعُرْسِ مِنْ وَليمةٍ^۱

۱. بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۱۳۷ ح ۳۴. (۷۰۳۵). عمل اليوم والليلة للنسائي عن
ابن بريدة عن أبيه: إِنَّ نَفْرًا مِنَ الْأَنْصَارِ قَالُوا لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِنْدَكَ فَاطِمَةٌ؟
فَدَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: مَا حَاجَةُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ؟
قَالَ: ذَكَرْتُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: مَرْحَبًا وَأَهْلًا، لَمْ
يَزِدْهُ عَلَيْهِ، فَخَرَجَ إِلَى الرَّهْطِ مِنَ الْأَنْصَارِ يَنْتَظِرُونَهُ، فَقَالُوا: مَا وَرَاءَكَ؟ قَالَ: مَا
أَدْرِي، غَيْرَ أَنَّهُ قَالَ لِي: مَرْحَبًا وَأَهْلًا، (قَالُوا): يَكْفِيكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ إِحْدَاهُمَا؛ قَدْ أَعْطَاكَ الْأَهْلَ وَأَعْطَاكَ الرَّحْبَ. فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا رَوَّجَهُ
قَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلْعُرْسِ مِنْ وَليمةٍ. قَالَ سَعْدُ: عِنْدِي كَبْشٌ، وَجَمَعَ لَهُ رَهْطٌ
مِنَ الْأَنْصَارِ (أَصْعَا) مِنْ ذُرَّةٍ. قَالَ: فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ الْبِنَاءِ قَالَ: لَا تُحَدِّثْ شَيْئًا حَتَّى

علی جان! عروسی یک مهمانی می‌خواهد.

حضرت عرضه داشت یا رسول الله ندارم.

سعد بن معاذ از اصحاب پیامبر گفت یا رسول الله

علی ندارد، ما بانی ولیمه و اطعامش می‌شویم. چند

نفر از اصحاب بانی شدند.

اطعام عروسی زهرا و امیرمومنان سلام الله

علیهما!

تالارش کجا باشد؟ مسجد النبی سفره پهن

کردند.

چطور ما عزایمان می‌تواند در مساجد باشد. عزای

ما می‌تواند در مسجد باشد ولی ولیمه حاجی ما و

تَلْقَانِي، فَدَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَاءٍ فَتَوَضَّأَ مِنْهُ ثُمَّ أْفْرَعَهُ عَلَيَّ، فَقَالَ:

اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهِمَا، وَبَارِكْ عَلَيْهِمَا، وَبَارِكْ لُهُمَا فِي شَبْلِهِمَا .)

عروسی ما نمی‌تواند با رعایت شئون مسجد در
مسجد باشد؟

خانه حضرت فاطمه

خب خانه چی؟ مشکل خانه را صدیقه طاهره
سلام الله علیها حل کرد. آمد گفت بابا جان، حارثة
بن نعمان از اصحاب رسول خدا بود، این خانه اضافه
دارد.

پیامبر فرمود: من دیگر خجالت می‌کشم از بس
خانه گرفتم. دیگر نمی‌توانم به او بگویم.

خبردار شد خودش محضر رسول خدا آمد.

یا رسول الله جان من به فدای شما!

افتخار من است خانه‌ای را در اختیار زهرا و علی

قرار بدهم.

آن سادگی در مهرشان،
آن سادگی در جهیزیه‌شان،
آن سادگی در تالارشان،
آن سادگی در سفره‌شان،
این سادگی در خانه،
آن تعاون و کمکی که اصحاب کردند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

عرضم تمام!

نامه امام جواد به علی بن اسباط

امام جواد علیه السلام در جواب نامه علی بن اسباط نوشتند معطل نکن، منتظر نگذار به بهانه اینکه خواستگاری که آمده از نظر مالی، از نظر پست

و مقام، از این جهات به ما نمی‌خورد، اینها را معیار
قرار نده.

جدم رسول الله فرمود:

إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خَلْقَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُهُ إِلَّا

تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ^۱.

خدایا به حق محمد و آل محمد به همه ما توفیق

آشنایی با معارف اهل بیت و عمل به آن عنایت

بفرما.

۱. الکافی ج ۵ ص ۳۴۷ (عده من أصحابنا، عن سهل بن زیاد؛ و محمد بن یحیی، عن أحمد ابن محمد، جمیعاً، عن علی بن مهزیار، قال: کتب علی بن أسباط إلی أبی جعفر علیه السلام فی أمر بناته، و أنه لا یجد أحدا مثله، فکتب إلیه أبو جعفر علیه السلام: فهتم ما ذکرتم من أمر بناتک و آنک لا تجد أحدا مثلك، فلا تنظر فی ذلک رحمک الله، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: إذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فرؤجوه إلا تفعلوه تکن فیتنة فی الأرض و فساد کبیر.)

عرضم را به پایان ببرم.

شام شهادت است. وقت من گذشت، اجازه

بدهید من با همین سلام مجلس را تقدیم کنم.

یا مولانا

یا ابا جَعْفَرِ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِی، ایها التَّقِی الْجَوادُ،

یا ابْنِ رَسولِ اللّهِ، یا حُجَّهَ اللّهِ عَلِی حَلِقِهِ، یا سَیْدَنَا وَ

مَوْلانا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّهِ وَ

قَدَّمْنَاکَ بَیْنَ یَدِی حَاجَاتِنَا،

هر کسی هر کجا نشسته، میوه دل امام هشتم،

پاره تن امام رضا را واسطه قرار بدهیم.

یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّهِ

